

سه قطره خون بر دامن آن کاخ سپید

کاظم ودیعی

یا رو به محاکمه‌اند. آقای اوباما وعده داد در هر مورد بررسی عادلانه خواهد شد ولی روشن نمی‌کند که متهمان دادگاهی می‌شوند یا آزاد می‌گردند.

به فرض رهایی متهمان به کجا و به کدام کشور خواهند رفت؟ آیا آن کشور پذیرا، آنها را به عنوان تروریست آزاد می‌گذارد یا متهم می‌دارد و دادگاهی می‌کند؟ اگر آزاد می‌گذارد چه خطری دارد؟ و اگر آزاد نکند به کدام جرم آنها را متهم می‌کند که جرمی در کشور میزبان وقوع نیافته و مرتکب نشده‌اند؟ به هر حال کشور میزبان به این زندانیان فرضاً رها شده از بند گوانتانامو و آمریکا مظنون است. گاهی هم این کشور میزبان، دست در دست آمریکای بوش داشته است پس چندان هم بی‌غرض و بی‌طرف با این امر نیستند.

در هفتم اکتبر ۲۰۰۸ هفده زندانی اویغوری، به وسیله یک قاضی نظامی آزاد تشخیص داده شدند. با این حال واشنگتن مایل نیست آنها را به مسقط‌الراس و وطن چینی آنها بفرستد زیرا فکر می‌کند که آنها عناصر خطرناکی‌اند.

دولت چین هم از آنها می‌ترسد. پس معلوم می‌شود که تشخیص با دادگاه نیست و دستی بالای دست است که واشنگتن یا کاخ سفید یا رییس جمهور آمریکا نام دارد. ولی فعلاً او قدرت تصمیم‌گیری در خود حس نمی‌کند. پس از سر بالاتکلیفی آنها را به جانشین خود می‌سپارد.

همان دادگاه اخیراً اعلام کرد که پنج تن از متهمان دستگیر شده‌ی مقیم گوانتانامو را دیگر تعقیب نمی‌کند و در انتظار یک پرونده درست و حسابی می‌ماند.

اگر جز این است، پس در حوزه اقتدار رییس جمهور آمریکا است؛ بنابراین چرا دستگاه‌های قضایی آمریکا به آن رسیدگی نمی‌کنند؟

حقیقت آن است که این زندان در حوزه اقتدار کاخ سفید و مستاجر آن است و حضرت بوش و پاسداران سیمای دموکرات و حقوق بشری آمریکا، می‌ترسند کار بیخ پیدا کند.

آقای مک‌کین پیشنهاد کرد که زندانیان و زندان را به زندان نظامی Fort Leaven Worth در کانزاس منتقل سازند. اما دو نماینده کانزاسی به مخالفت با وی برخاستند؛ زیرا هیچ کس این ننگ را تحمل نمی‌کند.

آقای اوباما قول داد دادگاه‌های نظامی را ملغی کند. تاکنون هشتاد متهم در این دادگاه در حال محاکمه

ضحاک هزار سال زیست و ضحاک هنوز می‌زید. ابوغریب و گوانتانامو و باگرام را آنها آفریدند که ضحاک روزگار مایند. و مارهای دوش ضحاک در مقایسه با افعی وجود اینها، مار غاشیه‌اند.

پرزیدنت واکر بوش سه زندان در عراق، کوبا و افغانستان و نیز زندان‌هایی در هوایما ساخت و در قرارگاه‌های اروپا نهاد. ابوغریب را در عراق موزه کردند. باگرام در افغانستان برپاست و گوانتانامو را از سر در ماندگی به جانشین خود واگذار کرده است.

این پرونده ننگین‌تر از آن است که بشود از آن گذشت. گوانتانامو به سال ۲۰۰۲ از سر یک نفرت بی‌حساب، از سر یک تشخیص غلط، بی‌مشاورت دستگاه‌های قضایی آمریکا و مجدد ابتکاری شیطانی در بیرون مرزهای آمریکا تاسیس شد و حداقل ۲۵۰ نفر مظنون به تروریسم را در خود جا داد که هم‌اکنون هشتصد نفر در آن جای دارند.

ننگ این واقعه که به تصمیم جرج واکر بوش رخ داد، چنان بر وجدان سیاسیون سنگینی می‌کند که دو نامزد رقیب (اوباما و مک‌کین) اعلام حذف و نابودی گوانتانامو را کردند. هر جای دیگر دنیا چنین زندانی‌ها می‌گرفت، سر و کار بانی آن با دادگاه‌های داخلی بود، اما چون خارج مرز آمریکا است، شاید دادگاه لاهه که مدعی محاکمه جنایتکاران جنگ و بشریت است، مجدد یک وکیل معتمد به حقوق بشر و برخوردار از شهامت حرفه‌ای روزی به آن برسد.

هیچ کس هنوز از محتوای پرونده زندانیان گوانتانامو باخبر نیست، حتی خود متهمان به درستی نمی‌دانند چرا آن قلاده را بر گردن و آن زنجیرها را بر پا دارند؛ و از این اتاق به آن اتاق در نهایت تحقیر کشانده می‌شوند و اساساً متهم به چه و از سوی چه کسانی هستند؟

اثبات غیرقانونی بودن زندان گوانتانامو مشکل نیست. این زندان برون‌مرزی آمریکا در پایگاه نیروی دریایی در قطعه‌ای از سرزمین کوبا است و تابع مقررات قوانین نظامی و قضایی آمریکا نیست. اگر چنین است که حتماً چنین است و همه گزارشگران تأیید می‌کنند، بنابراین آمریکا حقی بر آن ندارد تا رییس جمهورش تعیین سرنوشت آن را به عهده جانشین خود نهد. و



جنگ به آمریکا و همدستان نداده است. بنابراین جرم سنگین می‌شود.

در سال ۲۰۰۴ شمار زندانیان زندان باگرام با توجه به تشدید زد و خوردها به پانصد نفر رسید. طبق همان گزارش‌ها تنها سی تن غیر افغانستانی در این جمعند و غالباً زندانیان وابسته به طالبان هستند که در شبخون‌زنی‌های آمریکایی‌ها گرفتار شده‌اند.

بدیهی است در این مورد تلاش کاخ سفید بر آن بود که زندان باگرام را تحویل دولت دست‌نشانده کابل دهد تا دست از خطا بشوید. پس طبق قراردادهایی (لابد تحمیلی) دولت افغانستان را به ساختن زندان و تعمیر این یکی کشاندند و از کرزای خواستند که مثل زندان گوانتانامو زندانیان برای مدتی نامحدود زندانی باشند. در این جا بود که مشاورین کرزای زیر بار نرفتند که از غیرت ملی هنوز بهره‌ای می‌برند. پس انتقال زندانیان باگرام به تأخیر افتاد و در این میان دو نظامی آمریکایی به وسیله‌ی یک مبارز (ظاهراً طالبان) کشته شد.

زندان باگرام زندانیان بسیاری از اسرای آفریقایی و آسیای جنوب‌شرقی را به خود دیده که بعد از مدتی به گوانتانامو منتقل شده‌اند و رفته‌رفته نفر زندانی در زندان باگرام بسیار افزوده شد و تبدیل به انباری از زندانیان موقت گردید و ایجاد خطر کرد حتی برای خود اشغالگران. آنها که زندان گوانتانامو را دیده‌اند و تعدادشان هم بسیار است، تصدیق داده‌اند بر اینکه زندان باگرام در شرایطی بسیار بدتر و مخوف‌تر از آن است. از جمله اینکه زندانی باگرام حق تماس با بیرون حتی با وکیل مدافع خود را ندارد. بعضی از این بندیان حتی بعد از پنج سال نمی‌دانند چرا و به چه علت در زندان باگرام هستند. گاهی به مدد نمایندگان سازمان‌های حقوق بشری روزنه‌ی امید برای تعدیل قساوت‌ها دیده شده است. و اما این در سال ۲۰۰۲ بود که دو زندانی بر اثر فشار و شکنجه مردند. تیم گلدن Tim Golden می‌نویسد: دولت بوش به این بهانه که زندانیان باگرام تحویل دولت افغانستان خواهند شد، به شکایات و گزارش‌ها کمترین ترتیب اثری نداده و نمی‌دهد. ساندرها هودگینسون S.Hodgkinson معاون وزارت دفاع در امور بازداشت‌شدگان گفته است: هنوز هیچ تصمیم قطعی برای زندانیان ردیف ۱ (خطرناک) گرفته نشده است.

در تمام مدت ریاست جمهوری جرج بوش، هر زمان رسانه‌ای یا سازمانی دولت او را از باب شکنجه زندانیان گوانتانامو، ابوغریب، باگرام و غیره مورد سوال قرار داده است، جواب شنیده که دولت موظف به حفظ امنیت مردم آمریکاست. با این حال گوانتانامو، ابوغریب و باگرام سه قطره خون بر دامن کاخ سفیدند. اتفاق افتاده است که طالبان به این قبیل زندان‌ها حمله برده و عده‌ای را فراری داده‌اند که جزئیات آن در دست نیست. متأسفانه ترورگاه تبدیل به ابزار مبارزه می‌شود و هیچ قدرتی هنوز راه بر این ترور نیسته است. بنابراین دولت‌های اشغالگر پشت امر حفاظت ملی جا می‌گیرند.

شد، در حقیقت از نوع گوانتانامو و ابوغریب و باگرام است. آمریکا و مولتفان به دست و به کمک بعضی عوامل داخلی چنان سستی بر عراق رانده‌اند که عکس‌العمل آن را دیر یا زود به وسیله نیروهای وحدت‌طلب عراقی خواهیم دید. نمی‌توان زیر پوشش واژه «اشتباه» آمریکا و مولتفان را تبرئه کرد. حتی بسیاری از مردم عراق که مستقیماً از صدام ستم دیده‌اند، امروز صدام را به عنوان رهبر بزرگ گذشته بازمی‌شناسند و برای او از خداوند طلب مغفرت می‌کنند. القدس العربی از قول روتر می‌نویسد: حتی در حضور سربازان آمریکا مردم این حرف‌ها را به زبان می‌آورند.

نطق اخیر جلال طالبانی علیه فشار آمریکا نهادن بر قرارداد امنیتی پیشنهادی جرج بوش نشان می‌دهد که مردم شجاع عراق قادر به حفظ امنیت خود هستند و بین‌النهرین پیوسته فرزندان مدافع فرهنگ و تمدن خود را می‌پروراند و مجلس و دولت کنونی عراق علی‌رغم همه فشارها، استقلال خود را با امضای قراردادی از نوع قیمومیت‌های قرن قبل به باد نمی‌دهند. و به هر حال هیچ یک از دول مسلمان با استقرار بیشتر مولتفان موافقت ندارند، که بروند و برنگردند.

از شاهکارهای دیگر جنایی اشغالگران یکی هم زندان باگرام در افغانستان است. این زندان را عملاً آمریکایی‌ها ایجاد کردند و کرزای دست و پا بسته بر آن صحنه نهاد. در باگرام آمریکایی‌ها یک پایگاه عظیم نظامی از بعد از سال ۲۰۰۱ ایجاد کردند که در ماه می ۲۰۰۸ حدود ۶۳۰ نفر در آن زندانی بودند و با ایجاد زندانی تازه در حوالی کابل عده‌ای را به آن جا منتقل کردند. شکایات مردم و سازمان‌های مدافع حقوق زندانیان طی سه سال نتوانست توجه کنگره آمریکا را به قساوت زندانبان‌ها جلب کند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ رسماً به پنتاگون شکایت برد. در اسناد محرمانه این سازمان به استناد گزارش Tim Golden (نک. نیویورک تایمز در ماه‌های می ۲۰۰۸ به بعد) حاکی از آن است که ده‌ها تن از زندانیان باگرام هفته‌ها و ماه‌ها بی‌دلیل در دخمه‌های انفرادی مخفی به سر برده‌اند. همین اسناد شهادت می‌دهند رفتاری که با این زندانیان می‌شود ابداع منطبق با حقوق مندرج در کنوانسیون ژنو نیست.

اما آن کنوانسیون ناظر به حال زندانیان زمان جنگ است و افغانستان اشغال شده و اعلام

**گوانتانامو و باگرام را
آنها آفریدند که ضحاک
روزگار مایند و مارهای
دوش ضحاک در
مقایسه با افعی وجود
اینها، مار
غاشیه‌اند**

پس معلوم می‌شود پرونده‌هایی که برای این زندانیان ساخته‌اند، اعتباری ندارد، به حدی که دادگاه نظامی فرمایشی هم از تعقیب سر باز می‌زند.

قاعدتا دولت آمریکا باید در مورد پنج تن الجزیره‌ای متهم به حمله به سفارت آمریکا در سارایوو پایتخت بوسنی و هرزگوین اسناد و مدارک قانع‌کننده‌ای را به دادگاهی در واشنگتن ارائه دهد، خواهیم دید.

نیویورک تایمز می‌نویسد طی شش سال هشتصد نفر به زندان گوانتانامو تحویل داده شده‌اند که امروز ۲۷۵ تن در آنند. این زندانیان از بیست کشور مختلفند و در انزوا و رنج و بلا تکلیفی به سر می‌برند. تاکنون چهار تن از آنها خودکشی کرده‌اند. و یک ماه دیگر اولین دادگاه ویژه برای محاکمه‌ی آنها تشکیل می‌شود. طی دو سال اخیر کاخ سفید به تعطیلی این زندان برون‌مرزی تمایل نشان داده است. اما موانع قانونی بسیار برسر راهند. بدیهی است سعی کاخ سفید بر قانونی کردن بی‌قانونی‌های خویش است ولی قضات باوجدان در آمریکا کم نیستند. از آن جا که کشور اصلی این متهمان زندانی، هم‌پیمان کاخ سفیدند، این زندانیان در بسیاری از موارد مایل نیستند به کشور خود تحویل داده شوند که چه بسا در آن جا دوباره زندانی و محکوم به اعدام شوند.

دولت بوش موفق شد در کشورهای اشغال‌شده زندانی‌هایی شبیه زندان گوانتانامو به دست دولت‌های پوشالی و دست‌نشانده ایجاد کند که ابوغریب در عراق و باگرام در افغانستان از مشهورترین آنها هستند. ابوغریب صحنه جنایات و شکنجه‌هایی بود که در تاریخ نظیر ندارد و بعد از رسوایی‌های بسیار، آن را بستند و قرار است موزه شود؛ ولی آن جرم و جنایات که در این محوطه به دست و دستور آمریکا صورت گرفته، نقش حافظه‌ی مردم عراق است. زندان کاظمیه عراق که به دست نظام فعلی ساخته

